



دانشنامه فلسفه استنفورد

معرفت‌شناسی اجتماعی

آلوین گلدمن

ترجمه مهدی رعنائی

-
- سرشناسه: گلدمن، آلون آی، ۱۹۳۸ - م.
عنوان و نام پدیدآور: معرفت‌شناسی اجتماعی / الوین گلدمن؛ ترجمه مهدی رعنائی.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۹۴ ص.
فروست: دانشنامه فلسفه استنفورد / دبیر مجموعه مسعود علیا، ۵۴.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۲۴۵-۸-۱.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتاب حاضر ترجمه مقاله‌ای با عنوان «Social epistemology» از دایرةالمعارف «Stanford encyclopedia of philosophy» است.
یادداشت: واژه‌نامه.
یادداشت: کتاب‌نامه.
یادداشت: نمایه.
موضوع: شناخت (جامعه‌شناسی)
موضوع: شناخت (فلسفه)
شناسه افزوده: رعنائی، مهدی، ۱۳۶۴ -، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ م ۶۸۴/گ ۱۷۵/BD
رده‌بندی دیویی: ۳۰۶/۴۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۱۳۶۸۲۸
-

دانشنامه فلسفه استنفورد (۵۴)

معرفت‌شناسی اجتماعی

آلوین گلدمن

ترجمه مهدی رعنائی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Social Epistemology

The Stanford Encyclopedia of Philosophy

Alvin Goldman, Aug 18, 2006

این مجموعه با کسب اجازه از گردانندگان دانشنامه
فلسفه استنفورد (SEP) منتشر می‌شود.



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

دانشنامه فلسفه استنفورد (۵۴)

دبیر مجموعه: مسعود علیا

معرفت‌شناسی اجتماعی

آلین گلدمن

ترجمه مهدی رعنائی

چاپ اول

۱۶۵۰ نسخه

۱۳۹۵

چاپ پُرمان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۸ - ۲۴۵ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 278 - 245 - 8

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۶۰۰۰ تومان

فهرست

پیشگفتار دبیر مجموعه	۷
درآمد	۱۱
۱. تاریخ معرفت‌شناسی اجتماعی	۱۳
۲. رویکردهای کلاسیک	۲۱
۳. رویکردهای ضدکلاسیک	۳۵
۴. دریافت‌های گوناگون از امر اجتماعی	۴۵
۵. مسائل نظری معرفت‌شناسی اجتماعی	۵۵
۶. مسائل مربوط به طراحی نهادی در	
معرفت‌شناسی اجتماعی	۶۹
۷. نتیجه	۷۹
کتابنامه	۸۱
واژه‌نامه انگلیسی به فارسی	۸۹
نمایه	۹۱

پیشگفتار دبیر مجموعه

بسیاری از کسانی که در ایران به نحوی از انحا کار فلسفی می‌کنند و با فضای مجازی اینترنت نیز بیگانه نیستند نام دانشنامه فلسفه استفورد^۱ را شنیده‌اند و چه بسا از این مجموعه کم‌نظیر بهره نیز برده باشند. این دانشنامه حاصل طرح نیکویی است که اجرای آن در سال ۱۹۹۵ در دانشگاه استفورد آغاز شد و همچنان ادامه دارد. به لطف کمک‌هایی که گردانندگان این مجموعه از آن‌ها برخوردار شده‌اند، متن کامل تمامی مقالات این دانشنامه در اینترنت به‌رایگان و به آسان‌ترین شکل در دسترس خوانندگان علاقه‌مند قرار گرفته است.

نگاهی به ساختار و مندرجات مقاله‌ها و مرور کارنامه نویسندگان آن‌ها، که عموماً در حیطه کار خویش صاحب نام و تألیفات درخور اعتنا هستند، گواهی می‌دهد که با مجموعه‌ای خواندنی مواجهیم، مجموعه‌ای که غالباً مدخل‌های مناسبی برای ورود به گستره‌های متنوع تأمل فلسفی به دست می‌دهد. به این اعتبار، می‌توان به جرئت گفت کسی که می‌خواهد اولین بار با مسئله یا مبحثی در فلسفه آشنا شود، یکی از گزینه‌های راهگشایی که پیش رو دارد این است که ابتدا به سراغ مدخل یا مدخل‌های مربوط به آن در این دانشنامه برود.

دانشنامه فلسفه استفورد (به سرپرستی دکتر ادوارد ن. زالتا^۲)

1. *Stanford Encyclopedia of Philosophy* (SEP)

2. Edward N. Zalta

افزون بر این‌که پیوندی فراگیر میان فضای دانشگاهی و عرصه عمومی برقرار کرده، ویژگی‌های درخور توجه دیگری هم دارد. حجم بسیاری از مقاله‌های این دانشنامه چشمگیر است. ظاهراً دست نویسندگان در شرح و بسط کثیری از موضوعات و مباحث باز بوده است. دیگر این‌که در کنار مدخل‌های نام‌آشنا گاه به موضوعات و مسائل کم و بیش بدیعی پرداخته شده است که شاید در نظر اول ورودشان به دانشنامه‌ای فلسفی غریب بنماید و در عین حال خواننده را به بازاندیشی دربارهٔ دامنهٔ تفکر فلسفی و نسبت آن با زیست‌جهان خویش فرابخواند. کتابنامه‌های مندرج در پایان مقاله‌ها نیز، که معمولاً به دقت تدوین شده‌اند، یکی از محسنات این دانشنامه است که به‌ویژه به کار دانشجویان و محققانی می‌آید که می‌خواهند در زمینه‌ای خاص پژوهش کنند. این را هم نباید از نظر دور داشت که خاستگاه این دانشنامه به هیچ روی موجب نشده است که متفکران و مباحث فلسفهٔ قاره‌ای نادیده گرفته شوند.

انتشار تدریجی این دانشنامه به زبان فارسی و فراهم کردن امکان مواجههٔ شمار هرچه بیشتری از خوانندگان علاقه‌مند با آن، چه بسا استمرار همان غایتی باشد که مورد نظر بنیان این طرح بوده است. بر این اساس، در گام نخست انتخابی اولیه از میان مدخل‌های پرشماری که در دانشنامه آمده است صورت گرفته و کار ترجمهٔ آن‌ها به سعی مترجمانی که با این طرح همکاری دارند به تدریج پیش می‌رود. ترجمهٔ کل دانشنامه البته غایتی بلندپروازانه است، به‌ویژه با توجه به این‌که هنوز همهٔ مقاله‌های آن به نگارش درنیامده‌اند. با این حال، تلاش بر این است که، در صورت فراهم بودن شرایط، انتشار این مجموعه استمرار پیدا کند و به سرنوشت مجموعه‌هایی دچار نیاید که آغازی چشمگیر داشته‌اند ولی دولتشان چندان پاینده نبوده است.

روال غالب این است که هر کدام از مدخل‌ها در یک مجلد منتشر شود، اما در مواردی که حجم یک مدخل از حداقل لازم برای این‌که به

هیئت مجلدی مستقل منتشر شود کمتر باشد، آن مدخل همراه با مدخل دیگری که با آن قرابت موضوعی دارد انتشار می‌یابد. به درخواست دکتر زالتا، نسخهٔ اساس ترجمه‌ها آخرین ویراستی خواهد بود که در بخش آرشیو دانشنامه درج شده است، و همین امر در چاپ‌های مجدد ترجمه‌ها مبنا قرار خواهد گرفت. در مرحلهٔ ویرایش، تمامی ترجمه‌ها سطر به سطر با متن انگلیسی مقابله خواهند شد تا عیار کار درخور این مجموعه باشد. در این میان تلاش می‌شود توازن شایسته‌ای میان احترام به سبک و زبان هر مترجم از یک سو و اقتضائات مجموعه از سوی دیگر به دست آید. طرح انتشار این مجموعه شاید فردی بوده باشد، اما اجرا و اتمام آن البته کاری جمعی است و با تلاش مشترک و همراهی دوستانی میسر می‌شود که به این کار دل می‌سپارند. افزون بر ترجمانی که در این طرح همکاری می‌کنند، سپاسگزار دیگرانی هستم که مساعدتشان پشتیبانی اجرای شایستهٔ آن است. به‌ویژه از آقای دکتر زالتا و سایر گرداندگان دانشنامه قدردانی می‌کنم که اجازه دادند مجموعه حاضر به زبان فارسی منتشر شود. همچنین، باید یاد کنم از آقای امیر حسین زادگان، مدیر انتشارات ققنوس، که زمینهٔ اجرای طرح را فراهم کردند؛ آقای دکتر سید نصرالله موسویان، که یاری بی‌دریغشان برای این مجموعه بسیار مغتنم بوده است؛ آقای احمد تهوری، مدیر روابط عمومی انتشارات، که در تسهیل ارتباطات نقش مؤثری داشته‌اند؛ و آقای جهانگیر ملک‌محمدی و یکایک همکاران ایشان در بخش فنی انتشارات، که می‌کوشند این مجموعه با شکل و شمایلی درخور منتشر شود.

مسمود علیا

زمستان ۱۳۹۲

[درآمد]

معرفت‌شناسی اجتماعی^۱ مطالعه ابعاد اجتماعی معرفت^۲ یا اطلاعات^۳ است، اما درباره این که اصطلاح «معرفت» شامل چه چیزهایی است، دامنه واژه «اجتماعی» تا کجاست یا روش یا هدف این مطالعه چه باید باشد اتفاق نظری وجود ندارد. مطابق نظر برخی نویسندگان، معرفت‌شناسی اجتماعی باید همان رسالت عام معرفت‌شناسی کلاسیک را دنبال کند، البته با جرح و تعدیلی برخاسته از درک این نکته که معرفت‌شناسی کلاسیک زیاده‌فردگرایانه^۴ بود. بر مبنای نظر برخی دیگر از نویسندگان، معرفت‌شناسی اجتماعی باید به طرز ریشه‌ای‌تری از معرفت‌شناسی کلاسیک جدا شود و به عنوان رشته‌ای جایگزین، جای معرفت‌شناسی سنتی را بگیرد. رویکرد کلاسیک دست‌کم به دو صورت ممکن است تحقق یابد. یکی از آن‌ها بر هدف معرفتی سنتی به دست آوردن باورهای صادق^۵ تأکید می‌کند. این صورت از رویکرد کلاسیک، اعمال اجتماعی

1. social epistemology 2. knowledge 3. information
4. individualistic 5. true beliefs

را بر حسب تأثیرشان بر ارزش‌های صدق^۱ باورهای عاملان^۲ بررسی می‌کند. صورت دیگری از رویکرد کلاسیک بر هدف معرفتی داشتنِ باورهای موجه^۳ یا عقلانی^۴ تمرکز می‌کند. اگر آن را در قلمرو اجتماعی به کار گیریم، می‌تواند، مثلاً، بر این تمرکز کند که چه زمانی عاملی شناختی در پذیرش اظهارات و نظرهای دیگران به وجهی موجه یا تضمین‌شده عمل می‌کند. مدافعانِ رویکردِ ضدکلاسیک مفاهیمی مانند صدق یا توجیه را به کار نمی‌برند یا بسیار کم به کار می‌برند. در بحث از جنبه‌های اجتماعی معرفت، آن‌ها «معرفت» را تنها به عنوان آنچه در این یا آن اجتماع^۵، فرهنگ، یا زمینه^۶ مورد باور است، یا باورهایی که در آن نهادینه شده است به کار می‌برند. آن‌ها تلاش می‌کنند تا آن نیروها و تأثیرات اجتماعی را که در به وجود آمدن معرفت به معنایی که بیان شد نقش فاعلی دارند مشخص کنند. معرفت‌شناسی اجتماعی به لحاظ نظری مهم است، زیرا جامعه نقشی اساسی در فرایند شکل‌گیری معرفت دارد. این شاخه به لحاظ عملی نیز مهم است، زیرا در بازطراحی نهادهای اجتماعی مرتبط با اطلاعات نقش دارد.

1. truth-values 2. agents 3. justified 4. rational
5. community 6. context

تاریخ معرفت‌شناسی اجتماعی

استفادهٔ نظام‌مند از عبارت «معرفت‌شناسی اجتماعی» تاریخی طولانی ندارد، اما دشوار نیست که در طول تاریخ فیلسوفانی را بیابیم که دست‌کم اشاراتی مختصر به جنبه‌های اجتماعی معرفت یا باور عقلانی کرده‌اند. افلاطون در محاورهٔ خارمیدس^۱ این پرسش را مطرح می‌سازد که چگونه فردی غیرمتخصص می‌تواند به‌واقع متخصص بودن یا نبودن فردی را که مدعی است در حوزه‌ای متخصص است مشخص کند. از آن‌جا که تکیه بر متخصصان یا مراجع مسئله‌ای در قلمرو معرفت‌شناسی اجتماعی است، می‌توان این اشاره را پژوهشی خرد در این مبحث دانست. فیلسوفان بریتانیایی قرن‌های هفدهم و هجدهم، جان لاک، دیوید هیوم، و تامس رید،^۲ بخش‌هایی از معرفت‌شناسی خودشان را – غالباً تنها به صورت اشاراتی پراکنده – به مسئلهٔ «گواهی»^۳ اختصاص داده‌اند: چه زمانی عاملان شناختی باید بر گزارش‌ها و نظرهای دیگران تکیه

1. *Charmides* 2. Thomas Reid 3. testimony

کنند؟ شنونده باید چه چیزی درباره‌ی گوینده بداند تا مجاز باشد به اظهارات او اعتماد کند؟ لاک چنان بر اهمیت خوداتکایی^۱ فکری تأکید می‌کند که مرجعیت بخشیدن به نظرهای دیگران را به شدت زیر سؤال می‌برد (Lock 1959, I. iii. 23). هیوم این را مسلم می‌گیرد که ما معمولاً بر اظهاراتِ ناظر به واقع^۲ دیگران تکیه می‌کنیم، اما تأکید می‌کند که این امر تنها تا جایی معقول است که دلایلی کافی برای قابل اتکا دانستن این منابع داشته باشیم. تجربه‌گرایی هیوم باعث شد او لازم بداند که این دلایل بر مشاهداتی شخصی مبتنی باشند که درستی گواهی انسان را نشان می‌دهند (Hume 1975, X, 111). در مقابل، رید ادعا کرده است که تمایل طبیعی ما به اعتماد کردن به دیگران معقول است، حتی اگر چیزهای کمی درباره‌ی قابل اعتماد بودن آن‌ها بدانیم، یا اساساً چیزی ندانیم. گواهی، حداقل گواهی صادقانه، همیشه در بادی نظر^۳ پذیرفتنی است (Reid 1975, VI, xxiv). البته همه‌ی این مواضع، مواضعی معرفت‌شناختی هستند. با این حال، همه‌ی آن‌ها عموماً جزئی از تلاشی معرفت‌شناختی بوده‌اند که جهت‌گیری‌ای خودمدارانه^۴ داشته است؛ بنابراین، احتمالاً الگوهای آرمانی یا خالص معرفت‌شناسی اجتماعی نیستند. در عین حال، مثال‌هایی واضح از معرفت‌شناسی‌های اولیه‌ای هستند که جنبه‌های اجتماعی توجیه معرفتی را بررسی می‌کردند.

1. self-reliance 2. factual 3. *prima facie* 4. egocentric

سنتی دیگر هم بر جنبه‌هایی از معرفت‌تمرکز کرده است که به معنایی جامعه‌شناختی‌تر یا سیاسی‌تر، «اجتماعی» اند، هرچند اعضای از این سنت کمتر کار خود را در ردیف مسائل محوری معرفت‌شناسی به حساب آورده‌اند. نظریهٔ ایدئولوژی کارل مارکس را می‌توان نوعی از معرفت‌شناسی اجتماعی در نظر گرفت. بر مبنای یک تفسیر از تلقی مارکس دربارهٔ «ایدئولوژی»، هر ایدئولوژی‌ای مجموعه‌ای از باورها، نوعی جهان‌بینی، یا شکلی از آگاهی است که به نوعی کاذب یا موهوم است. علت این باورها، و شاید علت موهوم بودن آن‌ها، موقعیت و منافع اجتماعی باورآورنده‌هاست. از آن‌جا که این نظریهٔ ایدئولوژی، آن‌طور که توصیف شد، دلمشغولِ صدق یا کذبِ باورهاست، حتی می‌توان آن را صورتی از معرفت‌شناسی اجتماعی کلاسیک به حساب آورد.

کارل مانهایم (Mannheim 1936) نظریهٔ ایدئولوژی مارکس را به صورت نوعی جامعه‌شناسی معرفت^۱ بسط داد. او صور آگاهی را زمانی ذیل عنوان ایدئولوژیک جای می‌داد که می‌شد منشأ اندیشه‌های یک گروه اجتماعی را در وضعیت اجتماعی یا «شرایط زندگی» آن گروه یافت (1936, 78). تلاش توصیفی برای یافتن منشأ این اندیشه‌ها در وضعیت اجتماعی را می‌توان معرفت‌شناسی اجتماعی به حساب آورد. تلاش دیگر برای نقد و از بین بردن توهمات ایدئولوژیک – نقد

1. sociology of knowledge

ایدئولوژی^۱ - قطعاً صورتی از معرفت‌شناسی اجتماعی است. نظریه انتقادی^۲ مکتب فرانکفورت تلاشی، یا مجموعه‌ای از تلاش‌ها، برای بسط این ایده بوده است. هدف نظریه انتقادی رهایی و روشن‌اندیشی است، آن هم از راه آگاه ساختن عامل‌ها از اجبار پنهان در محیطشان و توانا ساختن آن‌ها به مشخص کردن این‌که منافع واقعی آن‌ها در کجاست (Geuss 1981, 54). در یک روایت از نظریه انتقادی، یورگن هابرماس^۳ ایده «وضعیت آرمانی گفتار»^۴ را مطرح می‌کند، وضعیتی فرضی که در آن عاملان انسانی کاملاً آزاد و برابر به بحثی کاملاً عاری از اجبار و نامحدود مشغول‌اند (Habermas 1973; Geuss 1981, 65). هابرماس در برخی از آثارش، وضعیت آرمانی گفتار را به عنوان معیاری استعلایی^۵ برای صدق [یا حقیقت] مطرح می‌سازد. باورهایی که عاملان در آن وضعیت آرمانی بر سر آن‌ها توافق دارند به صرف همین امر باورهایی صادق‌اند (Habermas & Luhmann 1971, 139, 224). در این‌جا یک ابزار ارتباطی اجتماعی نوعی ملاک معرفتی تلقی شده است.

تحولات بعدی در جامعه‌شناسی معرفت، و خصوصاً در جامعه‌شناسی علم،^۶ را نیز می‌توان آشکالی از معرفت‌شناسی

1. Ideologiekritik 2. critical theory 3. Jurgen Habermas
 4. ideal speech situation 5. transcendental
 6. sociology of science

اجتماعی محسوب کرد. از آن‌جا که علم عموماً نمونه‌اعلای فعالیت معرفت‌ساز شناخته می‌شود، و از آن‌جا که معرفت‌شناسی اولاً و اساساً دلمشغول معرفت است، هر تلاشی برای مشخص کردن عوامل تعیین‌کننده اجتماعی علم را می‌توان به وجهی باورپذیر صورتی از معرفت‌شناسی اجتماعی به حساب آورد. هم مانهایم و هم جامعه‌شناس علم رابرت مرتون (Merton 1973) علم (طبیعی) را مبرا از تأثیر آن اقسام عوامل اجتماعی یا «وجودی»^۱ می‌دانستند که بر دیگر مقولات باورها تأثیر می‌گذارند. علم به‌خودی‌خود نوعی جامعه در نظر گرفته می‌شد که تا حدود زیادی مستقل از باقی بخش‌های جامعه است. اما جامعه‌شناسان متأخر علم از این‌گونه استثنا کردن علم سر باز زده‌اند. مکتب ادینبرو^۲ بر این باور است که همه باورهای علمی، هنگامی که سخن از علل آن‌هاست، در ردیف دیگر باورها هستند. بری بارنز و دیوید بلور نوعی فرضیه «تقارن»^۳ یا «هم‌ارزی»^۴ را صورت‌بندی کردند که مطابق آن، همه باورها از نظر علل باورپذیری‌شان با هم برابرند (Barnes & Bloor 1982). مطالعات موردی تاریخی بسیاری در این سنت انجام شده است تا نشان داده شود که چگونه دانشمندان هم تحت تأثیر منافع طبقاتی و سیاسی و دیگر عواملی هستند که معمولاً

1. existential 2. Edinburgh School 3. symmetry

4. equivalence

«بیرون» از علم محض به حساب می‌آیند (Forman 1971); شاپین (Shapin 1975; Mackenzie 1981) باور بر این است که تامس کون (Kuhn 1962/1970) نشان داده است که ملاحظات عینی محض هیچ‌گاه مباحثات بین نظریه‌ها یا پارادایم‌های رقیب را حل و فصل نمی‌کنند و لذا، باورهای علمی باید تحت تأثیر «عوامل اجتماعی» باشند. توصیفات کون از فعالیت‌های جوامع پژوهشی علمی، خصوصاً توصیفاتش از اصلاح و حفظ پارادایم‌ها در دوره‌های علم «بهنجار»،^۱ مثال‌هایی واضح و تأثیرگذار از تحلیل اجتماعی علم بودند، خصوصاً وقتی که در برابر سنت تحصیل‌گرایانه^۲ تحلیل قرار می‌گرفتند. میشل فوکو دیدگاهی اساساً سیاسی از معرفت و علم به دست داد که در آن استدلال می‌کرد که فعالیت‌های به‌اصطلاح معرفت‌جویانه، خصوصاً در جهان مدرن، در واقع در خدمت حفظ اهداف قدرت و سلطهٔ اجتماعی‌اند (Foucault 1977, 1980). همهٔ این نویسندگان را می‌توان «معرفت‌شناسان اجتماعی» در نظر گرفت، هرچند خود آن‌ها از این اصطلاح استفاده نمی‌کنند.

عبارت «معرفت‌شناسی اجتماعی» شاید اول بار در نوشته‌های یک دانشمند کتابداری به نام جسی شرا^۳ به کار رفته باشد که خود آن را به همکارش مارگارت ایگان^۴ نسبت می‌دهد. شرا می‌گوید: «معرفت‌شناسی اجتماعی مطالعهٔ معرفت

1. normal 2. positivist 3. Jesse Shera

4. Margaret Egan

در جامعه است... تمرکز این رشته باید بر تولید، نشر، تلفیق و تکمیل، و مصرف همه صور اندیشه انتقال یافته در سراسر ساختار اجتماعی باشد» (Shera 1970, 86). شرا به خصوص به قرابت بین معرفت‌شناسی اجتماعی و کتابداری علاقه‌مند بود. با این حال، او دریافتی از معرفت‌شناسی اجتماعی که خطوط کلی فلسفی یا جامعه‌شناختی چندان مشخصی داشته باشد به دست نداد. چنین خطوط کلی‌ای چه می‌تواند باشد؟